

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

## باورهای عامیانه در دیوان تأثیر تبریزی

زینب رحمانیان

عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، مرکز خوی

E: z\_rahmanian@pnu.ac.ir

### چکیده

باورهای عامیانه به اعتقادات و رسوم هر قومی تعلق می‌گیرد که از زمان آفرینش انسان وجود داشته و ریشه در آداب و فرهنگ آن دارد. نوع گرایش و میزان باور آن‌ها در دوره‌های تاریخی متفاوت است. لذا برای شناخت بهتر و بیشتر هر جامعه باید به بررسی فرهنگ، تمدن و باورهای آن جامعه پرداخت. موضوع اعتقادات و باورهای مردمی از گذشته‌های دور در آثار ادبی بازتاب داشته و نمود هنری یافته است طوری که بررسی آثار نظم و نثر هر جامعه ما را در شناساندن فرهنگ و رسوم آن جامعه کمک می‌کند. این مقاله به روش تحلیلی- توصیفی به بررسی اشعاری می‌پردازد که بازتاب باورهای عامیانه جامعه اماری شاعر در دیوان تأثیر تبریزی است. محسن تأثیر تبریزی از شعرای قرن دوازدهم هجری و از پیروان سبک بازگشت ادبی، است که با بهره‌گیری از باورهای کهن به شعر خود زیبایی و غنا بخشیده است. با بررسی دیوان این شاعر می‌توان به این نتیجه رسید که، اعتقاد به برخی باورهای عامیانه و باورهای نجومی و داستان آنها، بخشی از عناصر سازنده شعر در دیوان محسن تأثیر تبریزی است.

کلید واژه: باورهای عامیانه، باورهای نجومی، تأثیر تبریزی

### ۱- مقدمه

از آن جایی که اجتماع از مجموع ادبیات و فرهنگ ملت‌ها ساخته شده است. باورها و اعتقادات نیز بصورت تدریجی از بطن این اجتماع به ادبیات ملل راه یافته است. برای شناخت بهتر هر جامعه می‌بایست فرهنگ، تمدن، تاریخ و ادبیات آن جامعه را بررسی کرد و شناخت. باورها نشان‌دهنده چگونگی زندگی مردم، شیوه تفکرات و اعتقادات درونی آن‌ها می‌باشد. این باورها درست، نادرست، زشت یا زیبا، ... ریشه فرهنگی جامعه را تشکیل می‌دهند که به مرور زمان دچار تغییراتی شده و چهره جدیدی به خود گرفته و در زمان‌های مختلف، شکل‌های گوناگونی نمایان ساخته‌اند. این باورها را می‌توان یکی از نمودهای عینی فرهنگ عامه یا فولکلور دانست. اعتقاد به باورهای عامیانه از دیرباز در بین شاعران و نویسندگان وجود داشته و آنها به شیوه‌های مختلفی در نظم و نثر خودشان بدان اشاره کرده‌اند. محسن تأثیر تبریزی از شعرای قرن دوازدهم هجری و پیروان سبک بازگشت ادبی، است که بهره

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

گیری از اساطیر و باورهای مربوط به آن، در شعر وی نمود یافته است اشاره به شخصیت‌های اساطیری، موجودات فرا طبیعی، اعتقاد به برخی باورهای نجومی، و داستان آنها، بخشی از عناصر سازنده اساطیری در دیوان محسن تأثیر تبریزی را تشکیل می‌دهد.

## ۲- پیشینه تحقیق

بررسی‌های مختصری که در مورد تأثیر تبریزی صورت گرفته است به شرح زیر است:  
- «بررسی موسیقی بیرونی (عروض) در غزلیات محسن تأثیر تبریزی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، به کوشش فاطمه الله دادی، به سال «۱۳۹۸» دانشگاه سیستان و بلوچستان.  
- «بررسی تشبیه در دیوان محسن تأثیر تبریزی»، به کوشش محمدحسین ربیعی، در سال «۱۳۹۸»، دانشگاه پیام نور استان آذربایجان شرقی بستان آباد.  
- بررسی زیبایی شناسی غزلیات محسن تأثیر تبریزی»، از منظر بیان، پایان نامه کارشناسی ارشد به کوشش عاطفه قنبرپور، به سال «۱۳۹۸» دانشگاه تبریز  
- اشارات و تلمیحات در دیوان محسن تأثیر تبریزی پایان نامه کارشناسی ارشد، به کوشش وحیده شهرکی، در سال «۱۳۹۳»، در دانشگاه سیستان و بلوچستان  
- تصویرآفرینی در مثنویات و چهارصد غزل دیوان محسن تأثیر تبریزی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، به کوشش مهدیه رضوانی راد، در سال «۱۳۹۳» در دانشگاه سیستان و بلوچستان  
ولی باورهای عامیانه در دیوان این شاعر، بصورت یک مقاله جدا و مستقل مورد تحلیل و بررسی قرار نگرفته است.

## ۳- بحث و بررسی

### ۳-۱- باورهای عامیانه

معنی واژه «باور» در حقیقت به معنای پذیرفتن و اعتقاد داشتن به چیزی است. در لغت‌نامه‌ها، باور به معنای «قبول» و «تصدیق سخن» هم بکار برده شده است. و مفهومی که در جامعه مصطلح است؛ عامیانه یعنی آنچه که در ذهن و فعل عموم مردم جاری و ساری است.

آنچه امروز ما آن را باورهای عامیانه نامگذاری می‌کنیم قسمت وسیعی از اعتقادات اجداد و نیاکان ما را در بر می‌گیرد. باورهایی که گذشتگان ما با آنها زیستند و شیوه زندگی خود را بر آن بنیان نهاند. با همان باورها متولد شدند، رشد کردند، ازدواج کردند، مشکلات خود را حل کردند و... بنابراین شناخت این باورها، در واقع شناخت گذشته خود خود ماست بدیهی است که تنها با شناخت واقعی از گذشته می‌توان به تعامل با اقوام و ملل دیگر دست یافت. آثار ادبی ماندگار زیادی هستند که اندوه و نشاط قهرمانان آن آثار با حیات

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

انسان‌ها در امیخته است و از گنجینه بسیار غنی باورها و اعتقادات عامیانه سرچشمه گرفته است. از گذشتگان دور همواره تلاش انسانها بر این بوده است که آرامش و آسایش خود و همراهان زندگیش را فراهم کند در جستجوی راهی برای گشایش کارها و مصون ماندن از خطرات کوشیده است و «حاصل این تلاش‌ها، مجموعه پیچیده‌ای از دعاهای باران، لالایی‌ها، مثل‌ها، داستان‌ها، افسانه‌ها و مثل‌هایی است سینه به سینه تا به امروز در زبان و سینه انسان‌ها ادامه داده شده است.» (ر.ک. پورافکاری، ۱۳۵۴: ۲)

اعتقاد به باورهای عامیانه از قدیم‌الایام در بین شاعران و نویسندگان رواج داشته و آنها این باورها را در اشعار خود بکار برده‌اند. البته شکل، ماهیت و محتوای این باورها و نقش و کارکردشان تفاوت‌های زیادی وجود دارد. بطوری که «ملت‌های کهن، نسبت به ملت‌های جوان، از آگاهی‌های نظری و عملی، از جمله اعتقادات، آداب و رسوم، داستان‌ها، افسانه‌ها و... بیش‌تری برخوردارند؛ بخصوص ملتی مانند ایران که قدمتی هزار ساله دارد و همواره با فرهنگ‌ها و نژادهای گوناگون پیوند داشته‌است.» (ر.ک: جمشیدی، ۱۳۸۸: ۱۹۴)

## ۲-۳- محسن تأثیر تبریزی

یکی از مؤلفان آذربایجان وی را چنین معرفی می‌کند: «نسبت شاعر از جانب مادر به محمدحسین خطیبی تبریزی می‌رسد و از طرف پدر نیز از نوادگان ابوالخان زرگر تبریزی است. آباء و اجداد شاعر در زمان شاه عباس اول، از تبریز به اصفهان کوچ کرده و در محله عباس‌آباد اصفهان، سکنی گزیده‌اند.» (تربیت، ۱۳۱۴: ۷۷) در قالب‌های قصیده، مثنوی، غزل، رباعی شعر سروده است. وی از شاعران سبک بازگشت ادبی است که در قرن دوازدهم می‌زیسته‌است. از محتوای اشعار این شاعر می‌توان فهمید که وی علاوه بر اینکه گرایش‌ات عرفانی و فلسفی در کلام داشته است جهت پر بار کردن مضامین شعری از باورهای عامیانه و نجومی استفاده کرده است باورهای عامیانه که در اشعار تأثیر تبریزی دیده می‌شود به شرح زیر می‌باشد:

## ۴- ماه و کتان

«قدما بر این اعتقاد بودند که نور ماه، جامه کتان را سوراخ می‌کند و چون دیوانه، چشمش به ماه افتد، آشفته‌گی‌اش افزون‌تر می‌شود.» (انوشه، ۱۳۷۹: ۱۳۵۷) این باور و اعتقاد در دیوان تأثیر نیز نمودار است:

کینه را ریشه برفتاد ز عدالت چه عجب ماه اگر مهر بورزد به کتان در پرده

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۴۵)

## ۵- نعل در آتش

«در علوم مکنونه رسم است که بر روی نعل اسب اسب محبوب و معشوق را به بعض اوراد نویسند و آن را در آتش نگاه دارند. معتقدند تا زمانی که آن نعل در آتش باشد محبوب شدیداً دل‌باخته عاشق باشد و گویند برای رهایی از تأثیر این طلسم باید آن نعل را از آتش درآورند و سوراخ کنند.» (پرتوی آملی، ۱۳۸۵: ۱۵۶) این نوع اعمال که ریشه در اساطیر داشته امروزه نیز در گوشه کناری

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

از دنیا همچنان به چشم می خورد. محمدی نیز نوشته است: که نعل در آتش افکندن «یکی از وسایل تحبیب نزد ساحران و دعانویسان بوده است که با این کار می خواستند کسی را به دیگری یا عاشقی را به معشوقی برسانند. از این رو بر روی نعل با حروف ابجد نام طرف مورد نظر را حک می کردند و آن را در زیر آتش پنهان می نمودند. سپس با خواندن اورادی معشوق یا حریف به عاشق علاقمند می شد.» (محمدی، ۱۳۸۳: ۵۶) معین در فرهنگ «این عمل را کنایه از اضطراب و بی قراری نیز بیان کرده اند.» (معین)

تاثیر نیز نعل بر آتش افکندن را کنایه از بی قراری و نداشتن تاب می داند و بر این باور است که با افکندن نعل بر آتش به لقا و وصال یار خواهد رسید.

رسید نوبت غم نعل ماه وارون شد

پی نشاط فلک داشت نعل در آتش

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۶۱)

همان نعلم از حرص در آتشت

قدم خم شد و آرزو سر کشست

(همان: ۱۴۷)

## ۶- سمندر و آتش

سمندر حیوانی دوزیست است که «به باور یونانیان و رومیان باستان می تواند در آتش زندگی کند، بی آن که بسوزد. «کتاب های جانورشناسی و فرهنگ های عربی و فارسی او را جانوری می دانند که از آن آسیب نمی بیند و تولد و زندگی او در آتش است.» (یا حقی، ۱۳۹۱: ۴۸۳) در این بیت از ابیات تاثیر تبریزی نیز به ارتباط بین سمندر و آتش و اینکه آتش زادگاه سمندر بوده و چیزی جز آن نمی بیند اشاره شده است.

سمندر روی از چیزی بجز آتش نمی بیند

پرستش هرچه را دادی از او عهد و وفا می جو

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۷: ۴۹۷)

## ۷- افسون و جادو

جادو به عنوان یکی از شاخصه های مشترک ادیان ابتدایی، ریشه در عقاید و باورهای انسان نخستین دارد. استفاده از طلسم و جادو در جوامع سنتی رواج بیشتری دارد. «اغلب مردم شناسان بر این عقیده اند که ریشه افسونگری و جادوگری را باید در فراز و

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نشیب ادمی جستجو کرد. بدیختی‌هایی از قبیل بیماری، تصادف و مرگ، در جامعه‌هایی که هنوز خط و کتابت در آن‌ها راه نیافته، بیشتر از جامعه ما اتفاق می‌افتد.» (جاهودا، ۱۳۶۳: ۱۶۱) کلمه‌ای ایرانی است که معادل غربی آن در طول زمان به صورت‌های گوناگون وارد زبان‌های دیگر نیز شده است. «کلمه جادو در زبان‌های دوره باستان و میانه هم کاربرد داشته است. جادو مقوله‌ای بسیار مهم در سرتاسر جهان است که بشر همیشه و در همه جا با آن درگیر بوده است. ایرانیان هم بالطبع با آن آشنایی داشته‌اند و چه بسا بیش تر از دیگر اقوام جهان باستان اساطیر و آیین‌های همه اقوام هند و اروپایی جنبه‌هایی از اعتقاد به جادو گری را نیز به همراه دارند و ظاهراً عمل بدانها در میان همه طبقات جامعه رواج داشته است.» (همان: ۴۵۱)

به بیان دیگر «جادو یا سحر، مجموعه باورها، اعمال، فنون و روش‌هایی است که به کارگیری آن‌ها برای کنترل یا دگرگون کردن شرایط فرا طبیعی و محیط زیست و رسیدن به مقاصد و اهداف نیک یا بد، مؤثر و سودمند پنداشته می‌شود.» (باغ بیدی، ۱۳۸۸: ۱۷/۲۲۹) «برخی جادو یا سحر و افسون را دو امر جدا از هم می‌دانند و میان جادوگری و افسونگری تمایز می‌گذارند. در صورتی که وجوه تمایز میان این دو نیز مانند سحر و جادو دقیقاً مشخص نیستند و هر دو فن جادو و افسون در میان مردم بسیاری از جامعه‌ها، مفهوم و معنایی کمابیش یکسان دارند.

هرچند جادو انواع گوناگونی دارد که هر کدام بر اساس دیدگاه‌های مختلفی به وجود آمده است ولی اصل همه آنها یکی است. «یکی از تقسیم‌بندی‌های کلی و قدیمی جادو آن را به دو نوع سیاه و سفید تقسیم می‌کند که در حقیقت همان جادو و ضد جادو است. جادو از جنبه نظام قانون طبیعی و از آن جهت که حتماً باید دارای نتیجه قابل قبول باشد، به جادوی نظری و جادوی عملی تقسیم می‌شود.» (فریزر، ۱۳۸۸: ۸۷) در دیوان تاثیر تبریزی نیز جادو و افسون همین ویژگی را دارد به طوری که شاعر نگاه و سخن و تاثیر شگفت‌انگیز آنان را به جادو تشبیه کرده است.

دو چشم آهو و ابرو شاخ آهو

نگه گیراتر از افسون و جادو

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۶)

گر سخن وا می‌کشد زان چشن جادو می‌کشد

در سخن تأثیر هرکس را گمان قدرتیست

(همان: ۴۶۰)

## ۸- گاو زمین

تصور عامیانه از جهان آفرینش با یافته‌های علمی امروز در تعارض است. نیاکان ما اعتقاد داشتند «که زمین بر روی شاخ گاوی قرار گرفته است و آن گاو هم بر پشت یک ماهی بزرگ می‌باشد. در افسانه‌های آریایی، گاو، مقدس و نماینده قدرت و نیرو بود، از این رو قدما معتقد بودند که زمین روی شاخ گاو قرار دارد و گاو بر پشت ماهی بزرگی و این ماهی در دریاها شناور است.» (یاحقی، ۱۳۶۹: ۱۳۹)

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تأثیر نیز به وجود گاو زمین معتقد است به طوریکه بیان می‌کند که گاو زمین تحمل این غم، درد و مصیبت بزرگ را ندارد.

گفتی که پشت گاو زمین زان الم شکست

گفتی گسست ناقه پیر فلک مهار

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۹)

## ۹- خاصیت سنگ‌ها در باورهای عامیانه

در باورهای عامیانه سنگ‌ها نیز دارای خواص ویژه‌ای هستند و در توانایی جسمی و روحی زمینیان تأثیر می‌گذارند.

- **خور شید:** «خور شید در زندگی انسان نقش و تأثیر بسزا و مهمی داشته است. با توجه به آثار بازمانده از پیشینیان این تأثیر نیز آشکار است. در رمزپردازی‌های خور شیدی از خور شید تحت عنوان نظام روزانه روح در مقابل نظام شبانه روح که مربوط به ماه و تجدید حیات ادواری آن است یاد می‌شود و خورشید به عنوان بزرگترین نماد روح، به مانند چشمی است که به واسطه آن می‌توان از دریچه جان به عالم ملکوت نظر کرد.» (زمردی، ۱۳۸۵: ۵۱)

خورشید از دیدگاه تأثیر مقامی بس بلند و شامخ دارد که هر کسی توان همسری با آن را ندارد.

رتبه افتادگی با سرافرازی بر دهد کاندز زمین

تا توانی کرد با خورشید تابان همسری

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۳۱)

- **عقیق یمن:** عقیق یمنی از جمه سنگ‌هایی است که علاوه بر خاصیت زینتی خاصیت درمانی داشته و از جمله سنگ‌های محبوب در هر دوره‌ای بوده است. تأثیر در بیتی عقیق را به لحاظ قدر و قیمتی که دارد استعاره از وجود خود است.

دل عاشقی ترقی در دیار عشق می‌خواهد

عقیق ما امید نیکنمی از یمن دارد

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۴۴۳)

- **لعل بدخشان:** «بدخشان شهری از حدود خراسان است. بدخشان یا بدخشان ولایتی است در شرق افغانستان و متصل به ترکستان شرقی، مرکز آن امروزه فیض آباد است شهرت بدخشان در ادب فارسی بیشتر بخاطر احجار کریمه آن است. لعل، بدخشان یا بدخشی در قرون وسطی در سرتاسر عالم اسلام شهرت داشت.» (دهخدا، ۱۳۸۵: ذیل واژه) تأثیر نیز در ابیاتی به بدخشان و لعل معروف آن اشاراتی کرده است و لعل را جاندار انگاشه است.

هرگه به تبسم لب خندان بگشایی

خون از جگر لعل بدخشان بگشاید

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۸۹۹)

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱۰- عدد هفت

بعضی اعداد در بین جوامع مختلف از اهمیت و تقدس خاصی برخوردار است. مثل عدد هفت، سیزده یا چهل که عددی خاص بین مردمان ایران است. این اهمیت و تقدس ریشه در باورهای اسطوره‌ای مردم دارد. حتی اهل دین هم برای برخی از اعداد خواص ویژه ای قائل هستند. بخشی از این باور متأثر از جادوگری و برخی از آن برگرفته از مذهب در معنی عام آن است. «تقدس عدد هفت امری بین‌النهرینی است که در پی تقدس هفت ستاره در بین‌النهرین پدید آمده و جهانی گشته است.» (بهار، ۱۳۸۹، ۴۶۸) نام بردن از تعداد عوالم موجود با یک عدد مشخص نیز می‌تواند سرمنشأ اسطوره‌ای داشته باشد. عدد هفت در دیوان تأثیر بارها در قالب هفت کشور یا اقلیم، هفت دریا و به کار رفته است که به مثال‌هایی در این باره پرداخته می‌شود.

## ۱-۱۰- هفت کشور (اقلیم)

مؤلف مجمل‌التواریخ و القصص و دیگر نویسندگان ایران از جمله ابوریحان نیز درباره تقسیم زمین به هفت کشور یا هفت اقلیم سخن گفته‌اند. «یاقوت در معجم البلدان شرح این اقلیم را بدین صورت آرد: بنا به معجم البلدان؛ اقلیم نخست از نظر دانشمندان ایران و روم، منسوب به زحل (کیوان) است و از برج‌ها بزغاله (جدی، برج دهم، دی) و دلو (برج یازدهم، بهمن) را دارد.

اقلیم دوم از دیدگاه ایرانیان به مشتری و از دیدگاه رومیان به خورشید مربوط است. از برج‌ها کمان (قوس، برج نهم، آذر) و ماهی (حوت، برج دوازدهم، اسفند) را دارد. اقلیم سوم از دیدگاه ایرانیان از آن مریخ و از دیدگاه رومیان از آن عطارد (تیر، بهرام) است. از برج‌ها، بره (حمل، برج نخست، فروردین) و عقرب (هشتم، آبان) را دارد. اقلیم چهارم از دیدگاه ایرانیان از آن خورشید و از دیدگاه رومیان از آن مشتری (هرمز) است. از برج‌ها شیر (اسد، برج پنجم، مرداد) را دارد. اقلیم پنجم نزد ایرانیان و رومیان هر دو از آن ناهید (زهره) است. از برج‌ها گاو (ثور، برج دوم، اردیبهشت) و ترازو (میزان، برج هفتم، مهر) را دارد. اقلیم ششم از دیدگاه ایرانیان از آن تیر (عطارد) و از دید رومیان از آن قمر (ماه) است. از برج‌ها جوزا (دو پیکر، برج سوم، خرداد) و خوشه (سنبله، برج ششم، شهریور) را دارد. اقلیم هفتم از دیدگاه ایرانیان از آن ماه و از دیدگاه رومیان از آن بهرام (مریخ) است. از برج‌ها خرچنگ (سرطان، برج چهارم، تیر) را دارد. پایان این اقلیم پایان آبادانی جهان است، پشت ایشان جز گروهی گمنام و فقیر و وحشی کسی زیست نمی‌کند. فرهنگها هفت اقلیم را به نام‌های دیگر نامیده‌اند از جمله: هفت اصل، هفت خط، هفت دکان، هفت رصد، هفت رقعہ ادکن، هفت زمین، هفت علفخانه، هفت علفخانه فلک، هفت فرش، هفت کره، هفت گاو، هفت نطع» (تلخیص از مقاله شماره هفت به قلم دکتر محمدمعین نقل از لغت نامه دهخدا) تأثیرتبریزی با توجه به باور عمومی در ایران از هفت اقلیم، هفت دریا، و اشاراتی کرده است.

ز هفت اقلیم دارد هفت پیکر

به نظم دلکش این باغ منور

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۶۹)

۱۰-۲- هفت دریا

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

هفت دریا اصطلاحی است که در ادبیات بسیاری از کشورها به کار رفته است. برهان قاطع، هفت دریا را این گونه نام می‌برد: «دریای چین، دریای مغرب، دریای روم، بحر بنطش، بحر طبریه، بحر جرجان، بحر خوارزم.» (دهخدا، ۱۳۸۵: ذیل واژه)

تأثیر تبریزی نیز اشاره ای به هفت دریا می‌کند و هفت دریا را برای تسکین آتش دل می‌طلبد.

چه حیرت گر بر آری در تلاطم هفت دریا را      دمی کز گریه چشم عاشقان نمناک می‌گردد

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۷۲۵)

گر از دل اندکی آتش بر آرد      به تسکین هفت دریا را تر آرد

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۶۹)

## ۱۱- باورهای نجومی

یکی از باورهای عامیانه، تأثیر افلاک و ستارگان بر زندگی و سرنوشت انسان‌هاست. «گذشتگان چون در برابر سوالات خود و اتفاقاتی که پیش می‌آمد، جواب قانع کننده‌ای نمی‌یافتند، سعی می‌کردند با ربط دادن برخی از آن‌ها به آسمان و احکام نجوم، برایشان توجیهی یابند.» (صرفی و افاضل، ۱۳۸۹: ۵۴) باورهای نجومی مثل اعتقاد به تأثیر آسمان و فلک در سرنوشت انسان و باور به بخت و اقبال و نحس بودن اجرام آسمانی، در برخی اشعار تأثیر تبریزی نیز به چشم می‌خورد.

### ۱-۱۱ آسمان

در باورهای کهن و «در مزدیسنا و روایات اساطیری کهن، آسمان نخستین مخلوق مرئی و گیتیایی اهورا مزدا است که در طول اولین گاهنبار، یعنی چهل و پنج روز نخست سال آفرینش پدید آمده است. درازا و پهنا و عمق آسمان مساوی است. گوهر مادی آسمان را گاهی سنگ می‌پنداشته‌اند و گاهی فلز و گاهی آبگینه.» (یاحقی، ۱۳۶۹: ۴۵) البته قابل ذکر است که از همان زمانی که انسان بر روی زمین حیات خود را آغاز کرده است، همواره آسمان برای او شگفت انگیز بوده است، انسان بدوی و گاهی حتی انسان امروزی بسیاری از اتفاقات را به آسمان ربط داده است و بدین ترتیب آسمان مایه خیال پردازی و اندیشه ورزی بسیاری از افراد مخصوصاً شعرا بوده است. «در فرهنگ اسلامی غالباً بهشت در آسمان تصور شده و جایگاه ملائیک و تقدیر الهی سرزمین بازگشت روح پس از مرگ نیز آسمان بوده است.» (یاحقی، ۱۳۶۹: ۴۶) باورهای تأثیر تبریزی بر آسمان به قرار زیر می‌باشد.

– **گنبدی شکل بودن آسمان:** بشر نخستین با مشاهده آسمان و شکل حرکت دوار مانند خورشید آسمان را گنبد و گرد پنداشته است گنبد و گرد بودن آسمان از جمله اعتقاداتی است که تقریباً در تمام اشعار دوره‌های قبل به چشم می‌خورد. تأثیر نیز با اعتقاد به این امر بیت زیر را نگاشته است:

ساخت ایزد بهر او این گنبد نیلوفری

آنکه او شایسته لولاک آمد در خطاب



# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۳۴)

- **دون و پستی آسمان:** پیش‌تر اشاره شد انسان در هر عصری به نوع و طریقی با آسمان ارتباط داشته است. این ارتباط گاهی به شکلی بود که آسمان مخاطب انسان بود و وی کارها و اموراتی را به آسمان نسبت می‌داد. از جمله در بیت زیر که آسمان تاثیر، آسمانی دون و پست است.

آسمان دونست دونی هر نفس می‌پرورد عیب خود را تا کند خس پوش خس می‌پرورد

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۵۰۴)

از نقطه نظر تاثیر تبریزی، آسمان جفاکار نیز است و ظلم و ستم‌هایی را نه به شاعر بلکه دوستداران وی روا داشته است. وی معتقد است که واقعه کربلا که دل در دردمندی را به درد می‌آورد از جفا و ستم‌های آسمان است.

این شاهباز بی‌پر و بال از جفای چرخ کز تیر جور کرده برون پر حسین

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۵۷)

- **آسمان واژگون:** واژگونی نیز از جمله صفاتی است که بشر در این ارتباطات برای آسمان تصور می‌کند. تاثیر نیز ضمن باور این ادعا عزت یا ذلت هر انسانی را به آسمان نسبت می‌دهد.

گاهی بلند کرد دنی گه عزیز پست برده چه‌ها این فلک واژگون نکرد

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۴۴۹)

- **تأثیر آسمان در طالع:** برج طالع «جزویست از منطقه البروج که در وقت مفروض در افق شرقی باشد. اگر آن زمان ولادت شخصی بود آنرا طالع مولود گویند و اگر آن وقت زمان ولادت شخصی بود آنرا طالع مولود گویند.» (مصفا، ۱۳۶۶: ۴۸۶) تاثیر تبریزی نیز، به اختر بخت و اقبال معتقد است و می‌نگارد که ستاره اقبال من بلند است و در نتیجه گردش روزگار به وفق طالع من است. در ابیاتی نیز وی خود را شوربخت تصور کرده است. تاثیر در ابیاتی دیگر که در زیر به آن اشاره شده است گاهی بخت را سفید و سیاه می‌داند، باوری که امروزه نیز همچنان رواج دارد و انسان قرن بیست و یکم گاهی خود را سیاه بخت یا سفید بخت می‌داند و حتی گاهی دعا بر سفیدی بخت می‌کند یا می‌شنود.

ولی ستاره اقبال من بلند افتاد مدار چرخ به طالع بود نه بر هنرست

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۰۱)

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- **برجیس یا مشتری:** قاضی فلک، انتساب مشتری به «ملکان و وزیران و بزرگان و قاضیان و دانشمندان و زاهدان و بازرگانان و توان گران» است. (بیرونی، ۳۷۸:۱۳۸۶) «به علت سعد بودن مشتری، سعد اکبر، سعد فلک، سعد آسمان، سعد گردون و .. القاب و صفت‌های دیگری است برای آن.» (مصطفی، ۷۳۷:۱۳۶۶)

تأثیر نیز به ویژگی «سعد بودن» مشتری اشاره می‌کند:

کوکب برجیس ز نیک اختری      آمده بر خاک رهش مشتری

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۱۹)

- **خوشه پروین:** پروین «یا ثریا، پرو، پرن، پرو، پروز، پرویز، پرنده و پازند، اسامی دیگر پرنده در زبان فارسی است.» «پرنده در اوستا به صورت پئوایریه آئنی ثبت شده است.» (مصطفی، ۱۳۸۱:۱۰۲) به وجود این ستاره در بند دوازده از تیشتریت اشاره شده است. «(اوشیدری، ۱۳۷۱:۱۹۳) در ابیاتی تأثیر تبریزی به خوشه پروین اشاره می‌کند:

مرحمتش گر نبود هر شبی      خوشه پروین که کند صاحبی

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۱۵)

- **زحل:** «کیوان در شعر و فرهنگ فارسی زحل با نام‌های برید فلک، پاسبان فلک، پیر فلک، دیده‌بان فلک، مقیم منزل هفتم، هندوی گنبدگردان و ... خوانده شده است.» (یاحق، ۱۳۶۹:۴۱۶) «زحل نحس اکبر است.» (ر.ک بیرونی، ۱۳۶۷:۳۸۷) در بندهشن دو سیاره زحل و بهرام شوم و بزهارکار معرفی شده‌اند. «به استناد بندهشن و زاداسپریم مرگ کیومرث معلول پیروزی سیاره کیوان بر هرمزد است. در این کتاب کیوان سیاره مرگ نامیده شده است.» (زمردی، ۱۳۸۵:۲۰) اشاره به زحل و نحوست آن در دیوران تأثیر نیز مورد توجه قرار گرفته است.

آنکه اکنون بلند مرتبه‌تر      چون زحل در نحوست او سمرست

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۶۴)

- **زهره:** زهره یا ناهید در نجوم کهن، سیاره مشتری سعد اکبر و زهره را سعد اصغر می‌دانند. این سیاره بر تأثیر، حسن وجه و شادی دلالت دارد. و در اصطلاح، کوکب اهل طرب و سیاره مختص زنان و ظرفا و اهل زینت و تجمل است. و لهُو و طرب و عشق و ظرافت و سُخریه را به او نسبت داده‌اند. (یاحق، ۱۳۶۹:۴۳۲) سیاره زهره را خنیاگر فلک نامیده‌اند، و بنا بر این همین اعتقاد است که خوانندگی و مطربی فلک را به او نسبت می‌دهند. تأثیر نیز در ابیات زیر به خنیاگری ناهید اشاره مستقیم می‌کند. وی منزل ناهید را منزلگاه عشرت و سرخوشی می‌داند.

وارد سر منزل ناهید شد      عشرت او عشرت جاوید شد

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۱۹)

– **نه فلک:** به اعتقاد و باور فلاسفه قدیمی، در آسمان هفت ستاره موجود است که از مغرب به سوی مشرق حرکت می‌کنند و حرکت هریک در تندی و کندی خلاف حرکت دیگری است و برای هریک از آن هفت ستاره فلک قائل شده‌اند. «افلاک یا عوالم اثیری خود متشکل از مراتبی هستند که بر عالم عناصر اربعه احاطه دارند. که هر کدام به نام یکی از کواکب نامیده شده‌اند، به صورت محاط بر هم واقع شده‌اند که به ترتیب عبارت‌اند از: فلک زهره، فلک شمس، فلک مریخ، فلک مشتری و فلک زحل. بعد از این افلاک هفت‌گانه فلک هشتم یا فلک ثوابت واقع شده و خود بر برج‌های دوازده گانه تقسیم شده است.» (پرتوی آملی، ۱۳۸۵: ۲۱۱/۳) «طبق نظریهٔ قدما تأثیرات این برج‌های دوازده گانه با تأثیرات هر یک از افلاک پایین‌تر تداخل کرده و مجموعاً در تدبیر و پرورش خواص مختلف در موجودات عالم ماده، تأثیر گذار هستند.» (همان: ۵۴۵/۳) اسامی افلاک نه گانه عبارت است از: قمر ۲. عطارد ۳. زهره ۴. آفتاب ۵. مریخ ۶ مشتری ۷. زحل ۸. در شریعت فلک ثوابت کرسی و ۹. فلک اطلس

تأثیر نیز بر این باور و اندیشه در دیوانش از نه فلک یاد می‌کند.

در عزایش نه فلک در چرخ نخل ماتمیست ابر هم یک چشم گریان زین غم وحشت‌فزا است (تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۵۰)

– **قران سعدین:** قران سعدین «پیوستن دو ستاره است که در برخی که گاه قران سعدین بود گاه قران نحسین.» (سجادی، ۱۳۸۶: ۱۴۷۴/۲) دهخدا نیز می‌نویسد: در «اصطلاح نجومی، بودن دو یا چند کواکب است در یک نقطهٔ آسمان یا در یک جزء از منطقه البروج و مقارنهٔ دو ستارهٔ سعد مانند مشتری و زهره در برجی» را قران سعدین می‌گویند. «(دهخدا) تبریزی نیز چنین می‌سراید:

این قران سعد را با سعد اکبر هر که دید گفت عهد شادی و عیش فراوان آمدست

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۳۶)

– **نسر طایر:** «یکی از صور شمالی فلک که چون عقابی به پر توهم شده و ستاره‌ای از قدر اول هم در این صورت واقع است که آن را نیز نسر طائر نامند و ذنب‌العقاب در این صورت است و صورت نسر طائر را شاهین و عقاب نیز خوانند.» (دهخدا، ۱۳۸۵: ذیل واژه)

دل نسر طایر به شوقی پرید که دیگر کسی واقع او را ندید

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۵۵)

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

باور به طور کلی یک مفهوم کلی است که اعتقادات درونی یک انسان را در بر می‌گیرد. واژه باور چنانچه با لفظ عامیانه همراه باشد به مفهوم چیزهایی که در بین عموم مردم جاری و ساری است. با بررسی آثار ادبی میتوان به بطن جامعه رسوخ کرد و با باورها و اعتقادات حاکم بر جامعه آشنا شد. این باورها در اشعار تعداد زیادی از شاعران دیده می‌شود. تأثیر تبریزی از شاعران قرن دوازدهم هجری است که به این موضوع پرداخته و از باورهای عامیانه و نجومی برای غنی‌سازی محتوای شعرش بهره گرفته است. باورهایی همچون؛ ماه و کتان-نعل در آتش- سمندر و آتش- افسون و جادو و... طبق بررسی به عمل آمده تأثیر تبریزی از باورهای نجومی نسبت به بقیه باورها بیشتر استفاده کرده است.

## فهرست منابع

- انوشه، حسن، (۱۳۷۹)، فرهنگنامه ادبی فارسی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- اوشیدری، جهانگیر، (۱۳۷۱)، دانشنامه مزدیسنا، تهران: نشر مرکز، چاپ پنجم.
- باغ بیدی، حسن، (۱۳۸۸)، دایره المعارف بزرگ اسلامی جلد ۱۷، تهران: انتشارات مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۹)، پژوهشی در اساطیر ایران. ویراستار: کتیون مزدایور. تهران: انتشارات آگاه.
- بیرونی، ابوریحان، (۱۳۸۶)، التفهیم لاولئ صناعه التنجیم، به اهتمام جلال‌الدین همایی، چاپ پنجم، تهران: نشر هما.
- پرتوی آملی، مهدی، (۱۳۸۵)، ریشه‌های تاریخی امثال و حکم، چاپ پنجم، تهران: سنایی.
- پورافکاری، نصرالله، (۱۳۵۴)، جامعه‌شناسی عوام، چاپ اول، اصفهان: ربّانی
- تأثیر تبریزی، محسن، (۱۳۷۳)، دیوان محسن تأثیر تبریزی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- تبریزی، محمدحسین، (۱۳۸۰)، برهان قاطع، ذیل زرتشت، به کوشش محمد معین، تهران.
- تربیت، محمدعلی، (۱۳۱۴)، دانشمندان آذربایجان، تهران.
- جمشیدی، حسن، (۱۳۸۸)، چیستی خرافه، مجله حوزه، شماره ۱۵۱، صص ۲۳۲-۱۹۲
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۸۵)، لغت‌نامه ۱۴ جلدی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- زمردی، حمیرا، (۱۳۸۵)، نقدتطبیقی ادیان و اساطیر در شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، منطلق الطیر، تهران: زوار.
- سجادی، سید جعفر، (۱۳۸۳)، فرهنگ اصطلاحات و تعبيرات عرفانی، تهران: طهوری.
- صرفی، محمد رضا و افاضل، راضیه، ۱۳۸۹، «بازتاب باورهای نجومی در خمسه خواجهی کرمانی، کهن نامه ادب فارسی، سال اول، شماره دوم، صص ۵۳-۷۶.
- فریزر، جیمز جرج، (۱۳۸۸)، شاخه زرین، ترجمه کاظم فیروززومند، تهران: آگاه.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

- گوستاو جاهودا، (۱۳۶۲)، روان شناسی خرافات ترجمه محمدتقی برهنی، تهران
- محمدی، محمد حسین، (۱۳۸۳)، فرهنگ تلمیحات شعر معاصر، تهران: میترا.
- مصطفی، ابوالفضل، ۱۳۶۶، فرهنگ اصطلاحات نجومی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر.
- یاحقی، محمد جعفر، (۱۳۶۹) فرهنگ اساطیر و داستان وارہ ها، تهران، انتشارات فرهنگ اساطیر.